

فلسفه ازدواج ۲

خانواده دینی و الهی

یکی از ممیزه های خانواده الهی، شادی و نشاط و دوری گزیدن از پرخاشگری میباشد، بعبارت دیگر تمامی لذتهای مشروع برای داشتن یک زندگی با نشاط در چنین خانواده ای موجود و تمام آنچه آنها را نشاط و هدف زندگی دور کند در عدم و نیستی است.



دلیل این شادابی توجه به این نکته می باشد که چون بستر خانواده و نیتها خدایی می باشد، تمامی اعمال حتی ناچیزترین آن مثل پاک کردن آب بینی کودک هم الهی شده و هر کار و عملی افراد خانواده را صاحب اجر و فضیلت می کند. و همچنین چون اعضای خانواده خداوند را شاهد و ناظر اعمال خود می بینند دیگر گرفتاریها و مشکلات و درگیریها را سدّ راه خود ندیده و ابتهاج و شادابی بیشتری در زندگی بروز و ظهور پیدا میکند، چنین خانواده ای مقابله و مبارزه با اینگونه درگیریها را هم عامل رشد و پیشرفت خود خواهند دید و هم مشکل و آزمایش را وسیله رشد فردی و خانوادگی خود می انگارند، چراکه انسان در سختی خلق شده است:

« خُلِقَ الْإِنْسَانُ فِي كَيْدٍ! »

یا حضرت امام سجاد(ع) در قالب دعا میفرماید:

«... لا يقول: اللهم انى اعوزبك من □□□□□ بل يقول: من □□□□□
□□□□□...» نگویند: خدایا پناه میبرم به تو از فتنه، بلکه
بگویند: خدایا پناه میبرم بتو از گمراهیهای فتنه»

با توجه به این نکته که خانواده الهی و فرزندان چنین خانواده هایی مورد ترفند و آسیب از بیرون می باشد، بایستی زوجین توجه داشته باشند که روابط و برخوردهای آنها در خانواده چگونه شکل بگیرد که رنگ خدایی داشته باشد و خدا را نشان بدهد تا تفاوت یک خانواده غیر مذهبی با خانواده مذهبی مشخص شود، یعنی هر فردی از بیرون داخل این خانواده میشود متوجه تفاوت شده و انرژی مضاعفی بگیرد و و الگویی برای خود و خانواده اش قرار دهد.

در چنین خانواده ای است که زوجین به نکته ضعفها توجه نمی کنند و به همدیگر ایرادگیری مستمر نداشته و در حکم لباس همدیگر می باشند که در قرآن نیز بدان اشاره شده است:

«لَبَّاسًا لَبَّاسًا وَمَا يَدْرَأُهُمْ لِبَاسَتِهِمْ خِلْفَةٌ» (بقره/۱۸۷)،

“لباس” که بعد از اکسیژن و غذا، سومین نیاز بشر است، خاصیت آن پوشانندگی رفع عیب و ایراد، زیبا نشان دادن، احساس راحتی و آرامش کردن و ... است که اگر این لباس معیوب یا آلوده شود، آنرا اصلاح و آلودگی آنرا برطرف می کنند، نه اینکه فریاد زنند و آنرا بزرگ و گسترش دهند. در واقع اگر یکی از زوجان عیب داشت، در فکر برطرف کردن آن با مهارتهای لازم باید می بود، نه فاش کردن و آبروریزی و تبدیل خانه به دادگاه.

از بُعد دیگر با توجه به جریان حضرت یوسف(ع)، یک لباس چندین نقش میتواند بازی کند: لباس فریب و نیرنگ، لباس تهمت و افتراء و لباس شفای دردها و ناراحتی ها. و اگر قرآن برای همسران نسبت بهم تشبیه لباس را بکار برده است همسر برای همسر باید شفای دردها و ناراحتی هایش باشد. در چنین خانواده ای فرهنگ لج و لجبازی جای خود را به فرهنگ جبران عیبهها و ایرادها می دهد و برای اینکه محبتها به نفرت ها تبدیل نشود از منیتها عبور می کنند که منیت و دلبخواهی عمل کردن مرز بین محبت و نفرت است، و اگر دلخوری پیش آمد درصدد جبران بر می آیند. پس در سایه زندگی الهی نشاط و شادی در خانواده حاکم و پرخاشگری و افسردگی از آن خانه رخت برمی بندد.

برگرفته از جلسات مشاوره بخش خواهران سبح اندیشه

ادامه در مطلب آینده ...

